

آثار و پیامدهای حس‌گرایی از منظر قرآن کریم

ابوالفضل احمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیامبران الهی مواجهه با مسئله حس‌گرایی و توجه مردم به آن است و یکی از رسالت‌های پیامبران نیز تکیه نکردن در اصول اعتقادی بر حس‌گرایی می‌باشد. حس جزء لاینفک انسان بوده و نقش مهمی در زندگی بشر دارد و همانند سایر ابعاد خارق‌العاده از دید خداوند متعال پنهان نمانده و رهنمودهای ارزنده‌ای برای نجات بشر از انحراف و سردرگمی در شناخت، مبدأ و معاد، و دیگر حقایق غایب از حواس، توسط فرستادگان او به بشر ارزانی شده است. قرآن کریم در آیات گوناگون به نقد حس‌گرایی پرداخته و با تذکر در آیات مختلف پیامدهای آن را برشمرده تا انسان را از گرفتار شدن در دام این پدیده برهاند. نوشتار پیش رو تلاش دارد تا به روش تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با بررسی آیات الهی در رابطه با این پدیده و واکاوی نقش آن‌ها در باورهای بشری، پرده از ماهیت تأثیرات حس‌گرایی برداشته و تبیین نماید که اعتقادات منحصر به حواس تا آنجا خطرآفرین هستند که گاه اشرف مخلوقات خداوند را به پرتگاه پست حیوانی و جهنم ضلالت می‌کشاند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حس‌گرایی نقش و تأثیر بسیار مهمی در انکار خداوند، ملائکه، وحی، معاد، تکذیب انبیاء الهی، معجزات و آلوده شدن به گناهان دارد. غفلت از این مهم، سزاوار نیست؛ چرا که قدرت تفکیک باورهای اعتقادی از حواس، عامل شکوفایی استعدادهای توحیدی و الهی و سلامت دنیوی و سعادت اخروی خواهد بود.

واژگان کلیدی: حس‌گرایی، قرآن کریم، ایمان به غیب، انکار خداوند.

۱. دانش پژوه سطح ۲ کلام اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام. a.ahmadi110@gimal.com

مقدمه

خداوند متعال از ابتدای خلقت بشر همواره اقدام به تبیین اصول اعتقادی و قرارداد چهارچوبی مشخص و نظام‌مند برای جلوگیری از انحرافات بشری توسط فرستادگان خویش نموده است. اگرچه برخی از پیروان ادیان در تلاش برای تحریف ادیان الهی و کتب آسمانی برآمدند، لیکن اصول اعتقادی و باورهای نظیر توحید و نبوت و معاد، آموزه‌های مشترک تمام پیامبران الهی است. این وجوه مشترک و نیز پویایی این موضوع بیانگر اهمیت ویژه بحث حاضر است.

انسان دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند او را در مسیر دستیابی و شناخت هرچه بیشتر حقایق یاری کنند. گاه بشر در مسیر تحقق اهداف خلقت و پیمودن مسیر سعادت، به جای استفاده ابزاری از این ویژگی‌ها، شناخت خود را منحصر در آنها و متوقف بر داده‌های صرف این امتیازات می‌نماید. یکی از مهم‌ترین ابزار شناخت در مسیر تعالی و رشد، حواس است. از بدو آفرینش تا به امروز افراد زیادی دچار غلط مشهود انحصار باورها در حواس شده‌اند. با جستاری در افکار و باورهای گذشتگان و معاصرین روشن می‌شود که از نخستین انسان‌ها تا انسان به ظاهر متمدن عصر حاضر، افراد قابل توجهی در دام حس‌گرایی گرفتار شده‌اند. نمونه‌هایی از این تفکرات را می‌توان در جامعه فکری مغرب زمین جست. تفکرات علمی و فرهنگی اروپا در سده‌های پیدایش قرون وسطی، انقلاب فکری اندیشمندان، نظریه‌های گوناگون در زمینه‌های مرتبط با انسان، تفکر، هستی، دین، اخلاق، نظریه حس‌گرایی آگوست کنت فرانسوی (۱۸۵۷م) و نظریه‌های مادی‌گرایانی نظیر فرانسیس بیکن (۱۶۲۶م) شواهدی بر این مدعاست.

هر تفکری خواه مثبت باشد یا منفی، بازتابی دارد. در حقیقت تفکرات، منشأ بسیاری از اعمال انسان هستند و عملی از بشر سر نمی‌زند مگر اینکه اثر آن در دنیا و در سرای جاوید متوجه شخص می‌گردد.

پژوهش پیش رو به روش تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال است که دیدگاه قرآن کریم درباره حس‌گرایی چیست و چه آثار و پیامدهایی برای آن ذکر کرده است؟

۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع پیش رو آثار متعددی نگاشته شده ولی نزدیک‌ترین پژوهش به این موضوع پایان‌نامه «حس‌گرایی از منظر قرآن کریم» نوشته مشهود غفاری در مقطع کارشناسی ارشد بوده که در سال ۱۳۹۳ به رشته تحریر درآمده است.

در این پایان‌نامه اگرچه نگارنده رویکردی قرآنی در پیش گرفته؛ اما بیشتر به معرفی حس‌گرایی و بررسی ابعاد مختلف آن به گونه‌ای جامع و کلی پرداخته و لیکن در مقاله پیش رو با تکیه بر قرآن کریم و رجوع به تفاسیر ذیل آیات مربوطه، به بررسی آثار و پیامدهای حس‌گرایی پرداخته شده است.

صرف‌نظر از اثر اخیر، عمده آثار نگاشته شده در این موضوع صرفاً سعی در نقد تفکر حس‌گرایی به وسیله روش‌ها و مطالب عقلی و استفاده از مفاهیم فلسفی دارند و به بیان کلیاتی عقل‌محور اکتفا نموده‌اند.

۲. مفهوم‌شناسی حس و غیب

حس در لغت؛ قدرتی برای درک کردن محسوسات است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۱۲۱) و در اصطلاح به درک کردن محیط پیرامون به وسیله حواس گفته شده است. برخی نیز حواس را عبارت از قوای ادراکی پنج‌گانه دانسته‌اند (جمیل، ۱۳۸۱ش: ۱۱۷).

غیب در لغت خلاف شهادت است (عبدالقادر و همکاران، بی‌تا: ۷۰۰/۲) و به معنی شک است و به اموری که غایب و غیرقابل دیدن باشد می‌گویند (شرتونی، ۱۴۰۳ق: ۸۹۴/۲). غیب در اصطلاح به معنای اموری است که از حواس مخفی هستند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۹۲/۱) و منطبق بر اموری است که به وسیله حس درک نمی‌شوند (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۴۹/۱) یا از حواس ظاهری غایب هستند (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۳۱/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۲۱/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۳۷۰/۱).

۳. انکار امور غیبی

مهم‌ترین اثر و پیامد حس‌گرایی انکار امور غیبی است که دارای مصادیق فراوانی است. این اثر آسیب‌های فراوانی را در پی دارد که در ادامه به مهم‌ترین موارد آن خواهیم پرداخت.

۱-۳. انکار پروردگار

قرآن کریم در آیات متعدد از شخصیتی به نام «فرعون» یاد می‌کند. با مشاهده آیات قرآن درباره ویژگی‌های شخصیتی و اعتقادی و نیز نحوه تفکر او؛ به خوبی روشن می‌گردد که این شخصیت غرق در حس‌گرایی و توجه به آن است. در آیاتی از سوره مبارکه قصص، فرعون بعد از دعوت و ارائه دلایل توحیدی توسط حضرت موسی علیه السلام، سخنان او را پذیرفت و گفت: «ای اشراف و بزرگان! من برای شما هیچ معبودی جز خود نمی‌شناسم، پس ای هامان، برایم بر گل آتش بیفروز (تا آجر محکم و قوی به دست آید)، پس برایم برجی بلند بساز شاید بر معبود موسی آگاهی و اطلاع یابم؛ البته من او را از دروغگویان می‌پندارم»؛ «وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (قصص: ۳۸).

در این آیه، فرعون به حضرت موسی با کنایه می‌گوید: حقیقت آنچه تو ما را به سوی آن دعوت می‌کنی برای ما ثابت نشده است، همچنین ثابت نشده خوارق عاداتی که آورده‌ای از طرف خداوند باشد. اصلاً من معبودی غیر از خودم برای مردم سراغ ندارم. آنگاه به هامان دستور می‌دهد که برجی بسازد، بلکه از بالای آن از اله و معبود موسی اطلاع پیدا کند (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۶/۱۶). از مجموع معنای آیه چنین برمی‌آید که فرعون از جمله افرادی است که اسیر حس‌گرایی شده و چیزی ورای محسوسات، مورد پذیرش او نیست تا جایی که منکر وجود خداوند شده و دعوت پیامبر او را نادیده می‌گیرد. این باور چنان در عمق جان او رسوخ کرده که خود را خدا می‌پندارد و می‌گوید: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» (نازعات: ۲۴).

در جای دیگری از قرآن مجید، خداوند متعال، به بیان گوشه‌ای از اعتقاد بنی‌اسرائیل می‌پردازد. آنان بعد از گذر از امتحانات الهی و عبور از پستی و بلندی‌های بسیار به موسی علیه السلام گفتند: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً»؛ «ما هرگز ایمان نخواهیم آورد تا خدا را با چشم بینیم» (بقره: ۵۵). این سخن به خوبی از حس‌گرایی بنی‌اسرائیل پرده برمی‌دارد. از بیان دو آیه ذکر شده چنین نتیجه گرفته می‌شود که تکیه بر حس‌گرایی باعث انکار خداوند متعال می‌گردد؛ چرا که خداوند را نمی‌توان به وسیله حواس درک کرد.

۲-۳. انکار ملائک

یکی از پیامدهای عینی حس‌گرایی، کفر نسبت به ملائکه و انکار آنان است. قرآن کریم در آیاتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل ایمان را، ایمان آوردندگان به ملائکه معرفی کرده است: «أَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ»؛ «پیامبر به آنچه از پروردگارش به او نازل شده ایمان آورده، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند» (بقره: ۲۸۵). در جای دیگر خداوند مؤمنان را به ایمان به خدا، پیامبر و کتب نازل شده امر کرده و منکرین خدا و ملائکه و کتب آسمانی و رسولان و آخرت را در گمراهی می‌داند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء: ۱۳۶).

از کنار هم قرار دادن دو آیه شریفه روشن می‌شود که؛ برخی از مردم به خاطر تکیه بر حس‌گرایی در صدد انکار ملائک برمی‌آیند ولی در کنار این دسته، گروه دیگری به خاطر ایمان به غیب و تکیه بر آن وجود ملائکه را تصدیق می‌کنند.

۳-۳. انکار وحی

یکی از آثار حس‌گرایی از منظر قرآن کریم، انکار وحی است. قرآن کریم در آیات متعدد واکنش افراد مختلف در مواجهه با وحی الهی را تبیین کرده است. به بیان قرآن در این مواجهه به جز عده‌ای اندک، دیگران با گونه‌های مختلف آن را تکذیب می‌کردند.

برخی از منکران وحی نزول آن را ناممکن می‌دانستند؛ «قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْتُمْ إِذَا تَكْذِبُونَ»؛ «گفتند: شما بشری همانند ما هستید و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده و سرمایه شما چیزی جز دروغ نیست» (یس: ۱۵).

برخی دیگر وحی الهی را سحر خواندند و به آن کافر شدند. «وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ» (زخرف: ۳۰). مراد از «حق» در این آیه وحی الهی است (خطیب، ۱۴۲۴ق: ۱۲۶/۱۳)؛ (سبزواری، ۱۴۱۹ق: ۴۹۶/۱)؛ (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۵۴۵/۶).

برخی دیگر وحی را قصه‌های ساخته ذهن و افسانه‌های قدیمی پنداشتند؛ «يُسْأَلُ الَّذِينَ

كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (زخرف: ۲۵). عده‌ای نیز وحی را با عنوان خواب‌های پریشان تلقی کردند؛ «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ» (انبیاء: ۵) و آن را نپذیرفتند.

بنابر نقل آل‌غازی زمانی که آیات قرآن برای کافران خوانده می‌شد آنها می‌گفتند: این که برای ما خوانده شد نه قرآن است و نه از جانب خدا آمده؛ بلکه فقط داستان‌های کهن است (آل‌غازی، ۱۳۸۲ق: ۳۳۲/۳).

خداوند در سوره فرقان نیز سخن کافران را اینگونه تفسیر کرده که آنها می‌گفتند؛ این افسانه‌های گذشتگان است که از آنها رونویسی کرده و هر صبح و شام بر او املا می‌شود (فرقان: ۵).

از منظر قرآن کریم خداناباوران و حس‌گرایان هر پدیده غیر قابل لمس و حسی را انکار می‌کنند. بنابراین؛ از جمله آفات حس‌گرایی، انکار و تکذیب ارسال وحی از جانب خداوند است، به این معنا که: دلیل عدم تصدیق وحی الهی، حس نشدن یا به تعبیر دیگر دیده نشدن آن توسط عموم مردم است.

۴-۳. انکار معاد

یکی دیگر از پیامدهای تکیه بر حس، انکار معاد و قیامت است. قرآن کریم در آیات مختلف منکرین معاد را توبیخ و به سرزنش آنان می‌پردازد. با مراجعه به آیه ۳۷ سوره مبارکه مؤمنون درمی‌یابیم که پروردگار عالم بعد از قوم حضرت نوح، اراده به خلق قومی نمود و برای آنان پیامبری فرستاد. بنابر نقل برخی آن قوم، قوم عاد و آن پیامبر حضرت هود علیه السلام بود (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ۴۷۹/۲؛ طبرانی، ۲۰۰۸م: ۳۷۱/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۶۹/۷)، ولی مردم او را تکذیب کردند و بزرگشان وعده‌های هدایت‌بخش او را نادیده گرفت و به آنان گفت: این وعده‌هایی که به شما داده شده، بعید است. «إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» «جز همین زندگی دنیوی ما چیزی نیست به دنیا می‌آییم و می‌میریم و بار دیگر زنده نخواهیم شد» (مؤمنون: ۳۷). «إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ» «این مردی است که به خدا دروغ می‌بندد و ما به او ایمان نمی‌آوریم» (مؤمنون: ۳۸).

با توجه به آیات بیان شده، روشن می‌شود که بزرگان قوم عاد گرفتار حس‌گرایی شده

و تمام اتکای آنان بر حس بود به همین دلیل برای انکار معاد به دلایلی متوسل می‌شوند که ناشی از امور حسی است.

از عبارت «وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (مؤمنون: ۳۳). چنین استفاده می‌شود که این عبارت دلالت بر غوطه‌ور بودن آن قوم در نعمات الهی دارد (فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۲۳/۲۷۵). از کتب لغت نیز همین معنا برداشت می‌شود (رک: راغب اصفهانی، بی‌تا: ۱۶۶).

روشن است کسانی که سرگرم نعمت‌های دنیا و زندگی در آن شوند، در دام حواس اسیر شده و تمام عالم را منحصر در همین دنیای مادی می‌پندارند و اینگونه روشن می‌شود که پدیده حس‌گرایی چگونه انسان را به مسلخ انکار معاد می‌کشاند.

در آیه دیگری از قرآن کریم رابطه حس‌گرایی و انکار معاد اینگونه تقریر شده است: قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» («کافران» گفتند: جز زندگی دنیوی ما هیچ نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را جز دهر هلاک نکند» (جاثیه: ۲۴).

تردید نیست افرادی که گرفتار دام بلای حس‌گرایی شده و غرق در نعمات الهی باشند و توجهی به ماوراء محسوسات نکنند، دچار انکار امور غیبی اعم از وحی، ملائکه الهی و غیره می‌شوند. معاد نیز از این قاعده مستثنی نیست و از آن جهت که امری غیرقابل درک با حواس و تحقق نیافته است، مورد انکار حس‌گرایان واقع می‌شود.

۵-۳. انکار امام عصر علیه السلام

یکی دیگر از پیامدهای جدی حس‌گرایی انکار وجود حجت‌های الهی است. در عصر حاضر عده‌ای وجود امام عصر علیه السلام را به دلیل عدم رؤیت او انکار می‌کنند.

برخی لازمه حضور امام علیه السلام را قابل رؤیت بودن و ارتباط فیزیکی با او می‌دانند. قرآن کریم در آیات ابتدایی سوره مبارکه بقره، در نفی حس‌گرایی و بیان صفات متقین می‌فرماید: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» «متقین کسانی‌اند که به غیب ایمان می‌آورند» (بقره: ۳). در مواجهه اولیه با آیه، این پرسش به ذهن می‌رسد که مراد از «غیب» چیست؟ مفسران، در بیان چیستی غیب قلم‌فرسایی کرده و به تبیین مصادیق غیب پرداخته‌اند. بنابر نقل مراغی: غیب آن چیزی است که مردم نسبت به آن علم ندارند، مانند: ذات اقدس اله، ملائک،

سرای آخرت و آنچه در آن است از برانگیخته شدن و حساب خلق (مراغی، بی تا: ۴۱/۱). واحدی نیز می گوید: «الغیب: بما غاب عنهم من الجنة والنار والبعث»؛ «ایمان به غیب، ایمان به آن چیزی است که از بهشت و جهنم و روز قیامت از مردم پوشیده است» (واحدی، ۱۴۱۵ق: ۹۰/۱). بنابر جستجوی نگارنده در غالب تفاسیر عامه چیزی فراتر از موارد مذکور نیامده است؛ لیکن در برخی از تفاسیر روایی شیعه یکی از مصادیق غیب را وجود مبارک امام عصر علیه السلام می دانند. شیخ طوسی می گوید: بنابر آنچه از روایات به ما رسیده از جمله این مصادیق، زمان غیبت و وقت خروج امام مهدی علیه السلام است (طوسی، بی تا: ۵۵). استرآبادی به نقل از معانی الاخبار و تفسیر علی بن ابراهیم می گوید: «وَهُوَ (الغیب) الْبُعْثُ وَ النُّشُورُ وَ قِيَامُ الْقَائِمِ علیه السلام وَالزَّجَعَةُ»؛ «غیب؛ برانگیخته شدن و پراکنده شدن و قیام امام عصر علیه السلام و رجعت است» (استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ۳۳/۱). فیض کاشانی نیز در تفسیرش این مطلب را تصریح می کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۹۹/۱). إشکوری همچنین قلم به توضیح بیشتر می راند و می گوید: «و می تواند که از جمله ما غاب عنهم امامت قائم آل محمد صلوات الله علیه و آله و خروج آن حضرت در آخر الزمان باشد» (إشکوری، ۱۳۷۳ش: ۸/۱).

روشن است این کلام مختار بسیاری از مفسرین شیعه است و احادیث متعدد معصومین علیهم السلام نیز بر آن دلالت می کند (ر ک: حویزی، ۱۴۱۵ق: ۸/۱؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ۱۴۷/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۱۲۳/۱؛ علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۴۶/۱).

همان گونه که افراد حس گرا دیگر امور غیبی را منکر می شوند، در درک وجود مسائل مربوط به امام علیه السلام دچار شک، تردید و انکار می شوند؛ چرا که او از نظرها غایب است و قابل لمس و رؤیت نیست و استماع صوت او وجود ندارد. بنابراین انکار امام عصر علیه السلام از پیامدهای جبران ناپذیر حس گرایی است.

۴. تکذیب انبیاء

یکی از پیامدهای مهم حس گرایی تکذیب انبیاء الهی در شئون مختلف آنان است.

۱-۴. تکذیب اصل و امکان رسالت

یکی از علل تکذیب رسالت انبیاء الهی ریشه در باور به محسوسات و انکار غیب دارد.

کسانی که فقط به محسوسات ایمان دارند و اعتقاداتشان را منحصر در باورهای قابل درک با حواس می‌دانند، قطعاً ادعای ارتباط با عالم غیب و ارتباط با خداوند را که از طرف انبیاء الهی مطرح شده تکذیب می‌کنند. قرآن درباره این افراد می‌فرماید: «عَجَبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ» (ص: ۴). کفار آن‌قدر در حس‌گرایی خود غرق شدند که از آمدن پیامبری از جانب خدا تعجب کرده و به او نسبت جادوگرِ دروغگو می‌دهند.

قرآن کریم در جای دیگر سخن کافران را چنین منعکس می‌کند: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا؟» (بلکه می‌گویند: پیامبر) بر خدا دروغ بسته است». (شوری: ۲۴) و در جای دیگر می‌فرماید: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا» «کسانی که کافر شدند می‌گویند تو فرستاده نیستی» (رعد: ۴۳). بنابر نقل علامه طباطبایی: «کفار منکر حقیقت قرآن هستند و آن را آیتی الهی نمی‌دانند، لذا از رسول خدا ﷺ درخواست آیتی غیر آن می‌کردند، آنان هنگامی که از آمدن آیتی غیر قرآن مأیوس شدند، ناگزیر اصل رسالت را انکار کردند. چون آیت بودن قرآن را قبول نداشتند، و آیت دیگری هم نیامد و لذا گفتند: لَسْتَ مُرْسَلًا؛ تو اصلاً پیغمبر نیستی (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱/۳۸۳)

همان‌گونه که در آیات ۳۱ تا ۳۸ سوره مؤمنون گذشت؛ کفار قوم عاد علاوه بر انکار معاد، رسالت پیامبرشان را نیز تکذیب کردند: «إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ» (مؤمنون: ۳۸) مقصود آنها از این جمله؛ تکذیب حضرت هود در دعوی رسالت و آنچه متضمن آن است، می‌باشد. آنها قبلاً هم توحید و معاد را انکار کرده بودند و می‌گفتند: «إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ» «جز این زندگی دنیای ما زندگی دیگری وجود ندارد، همواره می‌میریم و به دنیا می‌آییم، و ما پس از مرگ برانگیخته نخواهیم شد» (مؤمنون: ۳۷). آنان پیامبری که در خوردن و آشامیدن و دیگر امور انسانی همانند خودشان باشد را مانعی برای پذیرش پیامبری می‌دانستند و این درحالی است که آن‌ها به پرستیدن اجسام (بت پرستی) روی آورده و این به دلیل نفوذ حس‌گرایی در آن هاست. (طوسی، بی‌تا: ۳۶۶/۷).

منکران اصل رسالت، از آنجا که ارتباط عمیقی با حس‌گرایی دارند، نمی‌توانند بپذیرند

شخصی به عنوان پیامبر با عالم غیب مرتبط باشد چرا که؛ اساساً باوری به غیب ندارند. این مطلب را می توان از درخواست معجزات حسی کافران مکه از پیامبر اسلام ﷺ فهمید. قرآن کریم در مورد برخی از این درخواست ها چنین یاد می کند: «لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» («کفار می گویند: اگر در ادعای نبوت راستگویی، برای ما ملائکه را بیاور تا تو را تصدیق کنند (و ما آنها را ببینیم و صدایشان را بشنویم)» (حجر: ۷) ابن عاشور این معنا را تصدیق کرده و می گوید: مراد از آوردن ملائکه؛ حضور آنها نزد کافران است و خبر دادن به صدق رسالت پیامبر ﷺ (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۱۵/۱۳) و در جایی دیگر می گوید: گنجی برای آن ها بیاورد: «أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا» («چرا! گنجی به سوی او افکنده نمی شود یا باغی برای او نیست که از آن بهره مند شود؟» (فرقان: ۸) گاهی می گویند: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا» («ایمان نمی آوریم مگر اینکه از زمین چشمه ای جوشان برایمان پدید آوری» (إسراء: ۹۰) یا می گویند: «أَوْ تَكُونُ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا» («یا باغی از درختان خرما و انگور داشته باشی که از لابه لای آنها نهرها روان کنی» (إسراء: ۹۱) روشن است که آنان دنبال واقعه ای ملموس بودند وقتی می گویند: «أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا رَعِمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا وَتَأْتِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا» («یا آسمان را آن گونه که گمان کرده ای [قدرت داری] پاره پاره بر سر ما بیفکنی، یا خدا و فرشتگان را رو به روی ما آوری» (إسراء: ۹۲) از عبارت (قبیلا: مقابل ما) در درخواست کافران، روشن می شود که اتکاء به حس، با باورهای آنان ممزوج شده بود.

حس گرایی نه تنها پیامد انکار رسالت را در پی دارد بلکه سبب انکار برخی از لوازمات نبوت نیز می گردد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۲-۴. تکذیب معجزه

معجزه کاری خارق العاده است که مدعی رسالت برای اثبات رسالت خود انجام می دهد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۶۱۵/۲۱) و از مبرهن ترین دلائل نبوت انبیاء، معجزه است (همان: ۱۲۲/۲۸). معجزه مربوط به خداوند است و با عالم غیب و نیرویی ماوراء حس در ارتباط است. این نکته فارق بین اعجاز و سحر است به همین دلیل افراد حس گرا درکی از آن ندارند و آن را تکذیب می کنند و سحرش می خوانند: «وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِنُسْحَرَنَا

بِهَا فَمَا تَخُنْ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ» «فرعونیان گفتند: (ای موسی) هر چه را به‌عنوان معجزه برای ما بیاوری تا به وسیله آن ما را جادو کنی به تو ایمان نمی‌آوریم» (اعراف: ۱۳۲). ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ﴾؛ «پس هنگامی که حق از نزد ما به سویشان آمد، گفتند: مسلماً این جادویی آشکار است» (یونس: ۷۶) مراد از (حق) در این آیات معجزات حضرت موسی علیه السلام است (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۰/۱۰۸). همچنین از عبارت (من عندنا) به رابطه معجزه و امور غیبی و الهی پی‌برده می‌شود ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ﴾؛ «بلکه آنها حق را هنگامی که به سراغشان آمد تکذیب کردند؛ لذا پیوسته در کار پراکنده خود متحیرند» (ق: ۵).

کوتاه سخن اینکه؛ حس‌گرایان به جهت عدم ادراک و پذیرش ماوراء حس، قدرت اتصال به امور خارق‌العاده را نداشته و گمان می‌کنند این امور از قبیل سحر ساحران است. تکذیب معجزه توسط حس‌گرایان، تکذیب اصل وقوع امر خارق‌العاده نیست؛ بلکه تکذیب اتصال آن به عالم غیب و الهی است و آن را از قبیل امور قابل تحصیل دنیایی می‌دانند، لذا آن را دلیل کافی برای اثبات نبوت پیامبر ندانسته و گمان می‌کنند او نیز مانند سایر ساحران، علم سحر را آموخته و خرق عادت می‌کند. همان‌گونه که در بخش قبل بیان شد؛ منکران از پیامبران الهی درخواست‌های معجزات متعدد حسی داشته‌اند. این مطلب می‌تواند به زعم آنها به‌عنوان آزمایش قدرت سحر مدعی رسالت باشد و یا اینکه آنها در جستجوی راهی باشند که در عین حس‌گرایی با امور غیبی ارتباط برقرار کنند و آن را به‌عنوان پدیده‌ای از جانب خدا بپذیرند.

۵. آلوده شدن به گناه

بدون شک، گناه و نافرمانی خداوند مانع بزرگی برای تحقق اهداف خلقت است. انسان برای رسیدن به سلامت دنیوی و سعادت اخروی نیازمند پرهیز از گناهان است. گاهی پرداختن به نفس فعل، ما را از مقدمات آن غافل می‌کند. توجه به مقدمات گناه عامل مهمی برای جلوگیری از ارتکاب به گناه به حساب می‌آید. از جمله مقدماتی که سبب بروز بسیاری از گناهان می‌شود، حس‌گرایی است. بدون تردید کسی که وجود خالق را نپذیرد

و پیامبران او و معاد را انکار کند، از ارتکاب به هر فعل قبیحی پروا ندارد. اگرچه ریشه بسیاری از گناهان را می‌توان در حس‌گرایی جست. لیکن ما به جهت اختصار از اشاره به بیش از دو عنوان پرهیز می‌کنیم.

۱-۵. ظلم و ستم

به تحقیق منکر معاد و رسالت و عالم غیب از هر تلاشی برای دستیابی به اهداف مادی فروگذار نیست. چه بسا از روشن‌ترین راه‌های تحقق اهداف حس‌گرایان ظلم و ستم باشد، خواه این ظلم، ظلم به نفس باشد و خواه ظلم به دیگران.

در این باره آیات متعددی وجود دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾؛ «به یاد آورید هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم؛ (و او، برای گرفتن فرمان‌های الهی، به میعادگاه آمد) سپس شما گوساله را بعد از او (معبود خود) انتخاب نمودید؛ در حالی که از ستمکاران بودید» (بقره: ۵۱). قوم موسی علیه السلام دارای زمینه‌های حس‌گرایی بودند. هنگامی که حضرت موسی علیه السلام چهل شب عازم طور شد، این اعتقاد سبب بروز شرک و فروگذاری آرمان‌های پیامبران شد. سامری با تقویت محسوسات آنان و ابداع معبودی محسوس و قابل رؤیت آنها را فریفت و آنها به گوساله‌پرستی روی آوردند. قرآن کریم در این رابطه آنان را ظالم خطاب می‌کند و این همان مصداق ظلم به نفس است.

بدیهی است منکرین عالم غیب و امور نامحسوس مانند: آخرت، خداوند، حجت الهی و غیره، اهداف خود را بر اساس مادیات تنظیم می‌کنند و برای دستیابی به این اهداف، از ظلم به غیر نیز فروگذار نخواهند بود.

۲-۵. یأس و ناامیدی

از جمله گناهانی که ریشه در تکیه به حس‌گرایی دارد و مقدمه‌ای برای گناهان بیشمار به حساب می‌آید، ناامیدی است. اگر انسان‌ها گرفتار ناامیدی شدند، امید به سعادت‌مندی آنان نیست. اتصال به معنویات عاملی برای جلوگیری از این آفت بوده و می‌تواند انسان را از این خسران نجات دهد. بدیهی است؛ بسیاری از امور معنوی با حواس قابل درک نیستند،

لذا اگر شخص، گرفتار انحصار در اعتقاد به محسوسات شد، دچار ناامیدی نیز می‌شود. چنانکه گذشت بیان شد که بنی‌اسرائیل مردمانی حس‌گرا بودند. آن‌ها بعد از فرمان موسی علیه السلام برای ترک مصر، هنگامی که به رود نیل می‌رسند و لشکر فرعون را پشت سر خود می‌بینند، از وعده الهی غافل شده و دچار یأس و ناامیدی می‌شوند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا تَرَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾ «چون آن دو گروه یکدیگر را دیدند، اصحاب موسی علیه السلام گفتند: حتماً ما به جنگ آنان خواهیم افتاد» (شعرا: ۶۱) عبارت (لَمُدْرِكُونَ) جمله‌ی مؤکده است (قنوی، ۱۴۲۲ق: ۲۴۱/۱۴). و خداوند متعال این جمله را از زبان آن‌ها با سه تأکید بیان کرده است: اِنَّ، لام و جمله اسمیه که دلالت بر تأکید دارد (ابوزهره، بی‌تا: ۵۳۶۰/۱۰). از این عبارات و تأکیدها می‌توان نتیجه گرفت که اصحاب موسی علیه السلام با دیدن لشکر عظیم فرعون و مواجهه با رود نیل، امید خود به خداوند را از دست داده و گفتند: به زودی همه‌ی ما به دست آنان کشته خواهیم شد و هیچ‌یک از ما زنده نخواهد ماند و ما هیچ راه فراری نداریم (مراغی، بی‌تا: ۶۷/۱۹). این آیات بیانگر این است که هیچ‌گاه حتی زمانی که دشمن پشت سر شماست و دریا در مقابل، از رحمت خداوند مأیوس و ناامید نشوید (قرائتی، ۱۳۸۸ش: ۳۲۱/۶). حضرت موسی علیه السلام برای رفع نگرانی بنی‌اسرائیل و ایجاد امیدواری در آنان می‌گوید: کَلَّا؛ هرگز آن‌ها به ما نمی‌رسند و آن‌گونه که شما گمان می‌کنید اتفاق نمی‌افتد (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۳۰۰/۷) ﴿إِنَّ مَعَ رَبِّي سَيْدِينَ﴾ «بی‌تردید پروردگارم با من است و به زودی مرا هدایت خواهد کرد» (شعرا: ۶۲). قرآن کریم ضمن نکوهش این ضایعه، کلامی از زبان حضرت یعقوب علیه السلام نقل می‌کند که جای بسی درنگ است: ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبِئْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ «از رحمت خدا ناامید نشوید که جز کافران از رحمت خدا ناامید نمی‌شوند» (یوسف: ۸۷).

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد روشن می‌شود که؛ انسان به‌عنوان موجودی ذوابعاد، دارای ابعاد مادی و معنوی است. از جمله مشکلات بشر از بدو خلقت، اتکا؛ به جنبه مادی و تکیه بر حس است. یکی از مهمترین و مشهودترین تلاش‌های انبیاء الهی رفع این نکته و تقویت بُعد

معنوی انسان‌ها و ایمان آنان به غیب است. این تلاش در سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و کتاب آسمانی مسلمانان، قرآن کریم نیز مشهود و واضح است. قرآن کریم در آیات متعدد و به گونه‌های مختلف در تلاش برای گوشزد کردن پدیده خطرناک حس گرایی و تقویت ایمان به غیب است. در این کتاب آسمانی پیامدها و آثار جبران‌ناپذیر این ضایعه، انسان را از خطری بزرگ بر حذر می‌دارد. از دیدگاه قرآن پیامدهایی از قبیل انکار امور غیبی، انکار پروردگار، انکار ملائک، انکار وحی، انکار معاد، انکار امام عصر علیه السلام، تکذیب انبیاء، تکذیب معجزه، آلوده شدن به گناه، ظلم و ستم و یأس و ناامیدی، از جمله آثار باور و اعتقاد به امور حسی است. در کلام وحی، افراد مبتلای به حس گرایی دچار انکار حقایق نامحسوس شده و زمینه بسیاری از انحرافات در آنها فراهم می‌شود. آنها افرادی منحرف از صراط مستقیم الهی خوانده شده و مستحق عذاب در دنیا و آخرت خواهند بود.

منابع

- قرآن کریم.

۱. آل غازی، عبدالقادر، (۱۳۸۲ق)، بیان المعانی، سوریه، دمشق: مطبعة الترقی.
۲. استرآبادی، علی، (۱۴۰۹ق)، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، تحقیق: حسین استاد ولی، ایران، قم: مؤسسة النشر الإسلامی جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه.
۳. ابوزهره، محمد، (بی‌تا)، زهرة التفاسیر، لبنان، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن عاشور، محمدطاهر، (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، لبنان، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
۵. اسلامی پناه یزدی، مهدی، (۱۳۸۳ش)، تفسیر ادبی قرآن، ایران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۶. اشکوری، محمدبن علی، (۱۳۷۳ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح: جلال‌الدین محدث، ایران، تهران: دفتر نشر داد.
۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: بنیاد بعثت واحد تحقیقات اسلامی، ایران، قم: مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامیه.
۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، تصحیح: هاشم رسولی، ایران، قم: اسماعیلیان، چ ۴.
۹. خطیب، عبدالکریم، (۱۴۲۴ق)، تفسیر القرآن للقرآن، لبنان، بیروت: دارالفکر العربی.
۱۰. درّاج، جمیل، (۱۳۸۱ش)، فرهنگ فلسفی، ترجمه: منوچهر صانعی دره بیدی، ایران، تهران: انتشارات حکمت.
۱۱. راغب اصفهانی، (بی‌تا)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، لبنان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکاشف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح: مصطفی حسین احمد، لبنان، بیروت: دارالکتاب العربی، سوم.
۱۳. سبزواری، محمد، (۱۴۱۹ق)، ارشاد الأذهان الی تفسیر القرآن، لبنان، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۴. سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، تحقیق: عمر عمروی، لبنان، بیروت: دارالفکر.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۲۰۰۸م)، *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم طبرانی*، اردن: دارالکتاب الثقافی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: هاشم رسولی، فضل الله یزدی طباطبائی، ایران، تهران: ناصر خسرو، سوم.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: احمد حبیب عاملی، مقدمه: محمد محسن آقابزرگ طهرانی، لبنان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ایران، تهران: اسلام، دوم.
۲۰. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر: مفاتیح الغیب*، لبنان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی، ایران، تهران: مکتبه الصدر، دوم.
۲۲. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، *تفسیر نور*، ایران، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۳. قونوی، اسماعیل بن محمد، (۱۴۲۲ق)، *حاشیة القونوی علی التفسیر البیضاوی*، تصحیح: عمر عبدالله محمود، لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۴. مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، *تفسیر المراغی*، لبنان، بیروت: دارالفکر.
۲۵. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، ایران، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱ق)، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، ترجمه و تلخیص: محمدعلی آذرشب، ایران، قم: مدرسه الإمام علی بن ابیطالب علیه السلام.
۲۷. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۵ق)، *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، لبنان، بیروت: دارالقلم.